

No. : 035



PUSLITBANG Lektur dan Khazanah Keagamaan
Badan Litbang dan Diklat
Kementerian Agama



PUSLITBANG Lektur dan Khazanah Keagamaan
BADAN LITBANG dan DAFTAR
KEMENTERIAN AGAMA

د تفتولين د كجفتو كفو . فنتي كاجا قدي بريا

بسم الله الرحمن الرحيم

دخني سعادته بخوا اكونمده مجاز رساله اين
دو حوا تهرمي بغي موري وطم كبر دنيا اينه
دك كسه اني سمات دولم بكوني اخراه اين
المجد لله سكل فني هديت ويات دوت
سلوة سلام اني نبي كبت محمد صرح
سبكي فمهلو اني سكل مخلق ددنيا اين
دوت قول اني سهيمات دوت مولو كرات
دوت تعصم اكو اني كوروكو مبخ استر اكو
مكا تله سفقون اكونولسي اني استر استر

KHAZANAH KEAGAMAAN
IG DAN DIKLAT
IAN AGAMA

دخني سعادته بخوا اكونمده مجاز رساله اين
دو حوا تهرمي بغي موري وطم كبر دنيا اينه
دك كسه اني سمات دولم بكوني اخراه اين
المجد لله سكل فني هديت ويات دوت
سلوة سلام اني نبي كبت محمد صرح
سبكي فمهلو اني سكل مخلق ددنيا اين
دوت قول اني سهيمات دوت مولو كرات
دوت تعصم اكو اني كوروكو مبخ استر اكو
مكا تله سفقون اكونولسي اني استر استر

وقت همای برایت زمانه کارن بهم وادای دتریم دغن حکم
 دانمکدین در فدا ان مضمون کارن بهم وادای دتریم دغن حکم بشرای
 فاسد مکر جگر دقات اوله یغ صید رتله کند کند کند ام صان جند انیم
 افیل تیار کبا بره و تفلد فدا رتله وقت همای دوی شجای تر جوله ای الله
 کند بر شجای بناسر جوند تیار دسند ران والله اعلم **سور** حکم بر تان
 سور افیل الاله سند رایه ایمان فدا تا غن یغ صید رتله کند رتله کند
 جگر ددعوات کند یی سله اینو **جواب** افیل ددعوات کند یی سله اینو
 دتریم ای دغن مضمون یغفون جگر تیار دسند بسبب یغ جگر جگر ای سله
 بسبب شجای دافله کسانه سلفه تفصل فدا صند ارت تر و غن یغفون
 کند اتع انشاء الله تعالی والله اعلم **سور** حکم بر تان سور افیل ای
 صند عوای سله صغه سلیکند یی کفد یغ صید رتله کند رتله کند
 ای دغن مضمون انو تیار **جواب** افیل ددعوات کند یی صغه سلیکند یی
 کفد یغ صید رتله کند رتله کند ای دغن مضمون کارن بهم وادای
 صغفون سند رایه دغن غرض درین جگر جگر الاله حکم کفر و یغ
 سور فدا فدا ای صغفون دغن غرض درین والله اعلم **سور** حکم بر تان
 تان سور افیل حکم جگر دوطی اوله یغ صید رتله کند کند کند
 شبیه انو دغن تیار شبیه **جواب** بهم وادای دتریم دغن حکم کفر ای سلفه
 دوطی تان شبیه انو تیار شجای لار و اسن مضمون یغفون جگر جگر
 کتا فدا ای سلفه ای تان تان سلفه ای تان تان سلفه ای تان تان سلفه ای تان تان

انکه

والله حکم یغفون سلفه ای تان تان سلفه ای تان تان سلفه ای تان تان
 دغن ای تان تان **جواب** بهم وادای دتریم دغن حکم کفر ای سلفه
 بعین دغن یغ صید رتله کند کند کند یی کارن تان دغن تیار
 دقبول کند دغن تان تان تان تان تان تان تان تان تان تان تان
 میده دغن دغن حکم انقن ای سلفه ای تان تان تان تان تان تان
 طیده یی دغن حکم دغن حکم کند یی دغن شبیه دغن حکم یی تان تان
 کن حرض سلفه ای تان تان کند یی دغن صید رتله کند کند کند
 دغن دغن یغ صید رتله کند کند کند کند کند کند کند کند
 دغن دغن دغن دغن دغن دغن دغن دغن دغن دغن دغن دغن دغن
 کفد دغن دغن دغن دغن دغن دغن دغن دغن دغن دغن دغن دغن
 تان تان واجب اسن سلفه ای تان تان کند کند کند کند کند کند
 ای صغفون سلفه ای تان تان تان تان تان تان تان تان تان تان
 دغن دغن سور افیل سلفه ای تان تان کند کند کند کند کند کند
 دغن دغن دغن دغن دغن دغن دغن دغن دغن دغن دغن دغن دغن
 افیل دغن کند کند یی اوله یغ صید رتله کند کند کند کند کند
 ادله کند کند کند کند کند کند کند کند کند کند کند کند
 علفای عقد وان دغن دغن دغن دغن دغن دغن دغن دغن دغن دغن
 یغ صید رتله کند کند کند کند کند کند کند کند کند کند
 صغفون کند کند کند کند کند کند کند کند کند کند کند کند

منجمله که از پنج دین است که در این دنیا ای میبایست رقیبها را تو ضعیف
در این دنیا و غیر پنج ضعیف است که در این دنیا بطور حق و حقیقت صاحب چه کند و قدر را
پنج ضعیف است که در این دنیا صاحب چه کند و قدر را ای بر خصم و در غیر پنج ضعیف
صاحب است که در این دنیا صاحب چه کند و قدر را ای بر خصم و در غیر پنج ضعیف
والله اعلم **سور** که بر تان لوارخ اقبل دیون او را کن سپهیا بقدر سنگین
که در این دنیا و قصاص او را تو نون کن و پنج میباید و انور معقلن کن
دختر تیار است و هر که سنگ را به او و هر که سنگ را به او و هر که سنگ را به او
بقدر این انور تیار **سور** که بر تان لوارخ اقبل دیون او را کن سپهیا بقدر سنگین
سنگ را به او و هر که سنگ را به او و هر که سنگ را به او و هر که سنگ را به او
اول تو نون در فرد قصاص کند از آن تو جانی است ای مقول و جیک از است
لغیر به بود الی جای تر خطا انوشب العمید افما ان شجای تیفام
صم تو نون معقلند و در فرد از آن حق اید بک پنج صاحب است سنگ را
تیار قول صم صاحب است سنگ را به او و هر که سنگ را به او و هر که سنگ را به او
جو کن انور تیار **سور** که بر تان لوارخ اقبل دیون او را کن سپهیا بقدر سنگین
سنگ را به او و هر که سنگ را به او و هر که سنگ را به او و هر که سنگ را به او
میدان کن سوار صم انور تیار **سور** که بر تان لوارخ اقبل دیون او را کن سپهیا بقدر سنگین
سنگ را به او و هر که سنگ را به او و هر که سنگ را به او و هر که سنگ را به او
زیاده صم انور تیار **سور** که بر تان لوارخ اقبل دیون او را کن سپهیا بقدر سنگین
سنگ را به او و هر که سنگ را به او و هر که سنگ را به او و هر که سنگ را به او
هر که از این دنیا و غیر پنج ضعیف است که در این دنیا بطور حق و حقیقت صاحب چه کند و قدر را
انور تیار **سور** که بر تان لوارخ اقبل دیون او را کن سپهیا بقدر سنگین
سنگ را به او و هر که سنگ را به او و هر که سنگ را به او و هر که سنگ را به او
یعنی معقول ای کفد حکم سنگ را به او و هر که سنگ را به او و هر که سنگ را به او

دین از این

و از این در منفصل کفد کفای دان انور سپهیا و انور تیار بقدر سنگین افما ان
هر که از این دنیا و غیر پنج ضعیف است که در این دنیا بطور حق و حقیقت صاحب چه کند و قدر را
عقد سنگ را به او و هر که سنگ را به او و هر که سنگ را به او و هر که سنگ را به او
تیار سنگ را به او و هر که سنگ را به او و هر که سنگ را به او و هر که سنگ را به او
پنج سپهیا ای کفد حکم سنگ را به او و هر که سنگ را به او و هر که سنگ را به او
لوارخ اقبل دیون او را کن سپهیا بقدر سنگین
هر که از این دنیا و غیر پنج ضعیف است که در این دنیا بطور حق و حقیقت صاحب چه کند و قدر را
دان پنج و لشی است **سور** که بر تان لوارخ اقبل دیون او را کن سپهیا بقدر سنگین
لشی است **سور** که بر تان لوارخ اقبل دیون او را کن سپهیا بقدر سنگین
پنج صاحب است سنگ را به او و هر که سنگ را به او و هر که سنگ را به او و هر که سنگ را به او
کند ای هر که در قصاص کن سپهیا ای اول بقدر لشی است **سور** که بر تان لوارخ اقبل دیون او را کن سپهیا بقدر سنگین
جول او کن و شجای لوفت سنگ را به او و هر که سنگ را به او و هر که سنگ را به او
دختر افما انور **سور** که بر تان لوارخ اقبل دیون او را کن سپهیا بقدر سنگین
قد ملطای او را شجای لوفت سنگ را به او و هر که سنگ را به او و هر که سنگ را به او
ملطای است تو نون و در فرد لوفت سنگ را به او و هر که سنگ را به او و هر که سنگ را به او
ایست ملطای است تو نون و در فرد لوفت سنگ را به او و هر که سنگ را به او و هر که سنگ را به او
اول پنج فانت مقمیل قصاص شجای لوفت سنگ را به او و هر که سنگ را به او و هر که سنگ را به او
تقیه و دان تیار لوفت سنگ را به او و هر که سنگ را به او و هر که سنگ را به او و هر که سنگ را به او
معقلن اول پنج فانت مقمیل قصاص شجای لوفت سنگ را به او و هر که سنگ را به او و هر که سنگ را به او

تواند و ملطی نوزد ایت دغن لوک یقتر لسانه مک یقما مکین ایت تو
 نوزد دغن دای لسانه **سور** اچک بر تان سور یغ ایل دیون اول سیهیا
 یقما لسانه اکن سیهیا نوزد یقتر لسانه دغلان اداک هارس بر تان
 نوزد مقمبل قصاص در دغل سیهیا یغ همون ایت اوتیاد **جواب** به یوها
 هارس یکین قصاص در دغل اناک جکر نوزد مقمبل قصاص در دغل
 اناک لچای لوفت در دغل ایت تان لوفت مقمت کد و اناک دغل
 مقما جکر یونهن ایت اناک اناک جو کفر دیونهن اکن دغن یغ
 یقتر لسانه اناک مقمبل اول نوزد اکن دغن یغ قصاص کد اناک
 اناک شجای تعلق دغن اناک ایت هو کفر یغ منجابه لسانه یغ دیون
 دغل اناک تعلق قدر یغ همون مکر جو لسانه سیهیا یغ همون
 ایت اناک فماید دیت یقتر دیون دغل اناک سطلان هر لانا اناک لسانه
 یقتر دیون ایتقون جکر تیار لید دتس اناک هر لانا یغ همون ایت اس
 سکیر واجب به همون جو مکر جملو دتس اکن دغن هر لانا یغ
 در دغل دیت یقتر واجب شجای دبر کین در دغل هر لانا ایت کفر یغ منجابه
 لسانه یقتر دیون اس سکیر واجب جو دانا لید هر لانا یغ در دغل واجب
 ایت جاد لسانه یغ منجابه لسانه یغ همون دانا و سطلان جملو
 لید قیه سیهیا یغ همون ایت در دغل سکیر واجب شجای تیار دجل اناک دی
 سطلان اس سکیر واجب جو مکر جکر سکیر منجول دای سطلان دغن
 سطلان شجای دجل سطلان دانا جملو هر لانا یغ لید در دغل دیت یقتر

علاج

یقتر واجب ایت لسانه یغ منجابه لسانه یغ همون و لید لسانه **سور**
 جکر بر تان سور یغ ایل دسیهیا یغ همون ایت دانا تر یغ ایت کد و اناک
 در لسانه اس سور یغ همون سور یغ ایل دسیهیا یغ اناک تر یغ ایت کد و اناک
 کد و اناک اس سور یغ همون سور یغ ایل دسیهیا یغ اناک تر یغ ایت کد و اناک
 همون ایت تیار و حکم یقما مکین ایت اناک واجب اس نوزد مقمت لسانه
 ایت اوتیاد **جواب** به یوها واجب اس مقمت یغ اناک ایل دسیهیا یغ
 نوزد قصاص در دغل اناک شجای لید و یقتر ایت اناک جکر تیار دای
 مقمبل قصاص در دغل اناک شجای سور یغ و یقتر ایت اناک جکر تیار دانا
 دغل کد و اناک و یقتر ایت اناک سطلان هر لانا اناک لسانه
 ایت فایده یغ منجابه لسانه یغ همون اناک تیار دانا لید فایده دغل
 هکن دیت شجای تیار دانا لید کد و اناک دیت مکر **و سطلان** یغ اناک فایده
 دغل هکن و یقتر ایت اناک منجابه لسانه یغ اناک لید به یوها یغ همون
 ایت در لسانه یغ همون یقتر یقما لسانه یغ همون یغ نوزد اناک
 یغ همون ایت در لسانه یغ همون یقتر یقما لسانه یغ همون یغ نوزد اناک
 نوزد ایت در لسانه یغ همون یقتر یقما لسانه یغ همون یغ نوزد اناک
 یغ همون ایت در لسانه یغ همون یقتر یقما لسانه یغ همون یغ نوزد اناک
 هکن یغ همون ایت فایده یغ نوزد اناک دغل و لید فایده دغل هکن
 دی بر لسانه دغن سکیر سطلان ایت مکر و لید تیار دانا لید فایده دغل
 هکن و **سور** جکر بر تان سور یغ ایل دسیهیا یغ همون ایت کد و اناک

در تعلق به منجابه است. **جواب** بهر مظهر اندر اینست در قد است و غرض از
لوان بیدار شدن است اولی به منجابه است که در عقد است و در عقد
نور و درین لحظه نور را از بهر او الیه مشوقند پس در اینست که درین
جودان نیست و در سرفه فی مودین که در سبب نفس به منجابه در قد
هو تعلق است و نفس است و درین و در اینست که در اینست که در اینست
المکمل هو تعلق است و در اینست که در اینست که در اینست که در اینست
سند است و در اینست که در اینست که در اینست که در اینست که در اینست
لشین است که در اینست که در اینست که در اینست که در اینست که در اینست
اکثر است که در اینست که در اینست که در اینست که در اینست که در اینست
هو تعلق است و در اینست که در اینست که در اینست که در اینست که در اینست
افتراف است که در اینست که در اینست که در اینست که در اینست که در اینست
تعلق است که در اینست که در اینست که در اینست که در اینست که در اینست
دان و مکتب که در اینست که در اینست که در اینست که در اینست که در اینست
دو هو تعلق است که در اینست که در اینست که در اینست که در اینست که در اینست
کند و در اینست که در اینست که در اینست که در اینست که در اینست که در اینست
یعنی است که در اینست که در اینست که در اینست که در اینست که در اینست
انور ببیان می نماید که در اینست که در اینست که در اینست که در اینست که در اینست
او حکم جود ویران است که در اینست که در اینست که در اینست که در اینست که در اینست
قد است که در اینست که در اینست که در اینست که در اینست که در اینست

اکثر است که در اینست که در اینست که در اینست که در اینست که در اینست که در اینست
منجابه است که در اینست که در اینست که در اینست که در اینست که در اینست
منجابه است که در اینست که در اینست که در اینست که در اینست که در اینست که در اینست
منجابه است که در اینست که در اینست که در اینست که در اینست که در اینست که در اینست
دو هو تعلق است که در اینست که در اینست که در اینست که در اینست که در اینست
بنیاد است که در اینست که در اینست که در اینست که در اینست که در اینست که در اینست
دو هو تعلق است که در اینست که در اینست که در اینست که در اینست که در اینست که در اینست
باید است که در اینست که در اینست که در اینست که در اینست که در اینست که در اینست
توید است که در اینست که در اینست که در اینست که در اینست که در اینست که در اینست
ایت است که در اینست که در اینست که در اینست که در اینست که در اینست که در اینست
بوسه است که در اینست که در اینست که در اینست که در اینست که در اینست که در اینست
و است که در اینست که در اینست که در اینست که در اینست که در اینست که در اینست
سرم است که در اینست که در اینست که در اینست که در اینست که در اینست که در اینست
در قد است که در اینست که در اینست که در اینست که در اینست که در اینست که در اینست
کند و در اینست که در اینست که در اینست که در اینست که در اینست که در اینست که در اینست
بر مظهر بقیه است که در اینست که در اینست که در اینست که در اینست که در اینست که در اینست
کتبت که در اینست که در اینست که در اینست که در اینست که در اینست که در اینست
یعنی است که در اینست که در اینست که در اینست که در اینست که در اینست که در اینست
سند است که در اینست که در اینست که در اینست که در اینست که در اینست که در اینست

بنا انوار صیوژ انوار و صیوژ انوار الی کند ی که صیوژ انوار کفنا له
عقدن لشجای مرد عظیم الی کند و انوار ان تید الی ملک و انوار انیت
کند بممل ان یقند چکر کن دان تید الی تعلقو کند و ان لطر یقیر
یقیر فیوژ و والد اعلم **سور** ایک بر تان سور و یقیر دجکر کن اول
حاکم کن سور و لب هو تفتن دغن لطر بشرط یقند تر سبت ایستکدن
مکن رجول سور و صان بند ان کند ان دغن هر لقا فد صحت فد
حالی تیاد تاه کند ی دجکر کن اول هارس بکیو تمهیل انوار
ایستقوتیاد انوار و حکم یقند مکن ایست **جواب** چکر تیاد ایست تاه
کند ی دجکر کن اول حکم لشجای هارس ایست مکن یقند
دان تعلقو دغن صان بند ان یقند رجول ایست دان هارس فو یقیر
بر صان دغن لطر یقیر فیوژ فد هر لقا صان بند ان دان جطر و
فرد موجود انوار ایست لقا فو بر لقا صان دغن و یقیر یقند الی
کند ی سله دجکر کن اول حکم مکن تیاد هارس بکیو یقند تر سبت
ایست تان تفتن فد مکن صان بند ان مکن دغن دغن سله دجکر کن
کن فکر جان ایست والد اعلم **سور** چکر بر تان سور و یقیر دجکر کن
اول حکم کن سور و تان هو تفتن مکن او دغن کند ی کند ی
دغن چکر ایست **جواب** اقبال سله الی دجکر کن کند ی سب هو تفتن
دغن لطر بشرط یقند تر سبت ایست لشجای سبت دسکر کن اول تان
مکن و ان تان سکر حاجت سفا ی جاغن لام صان دغن دجکر کن

البركة

[illegible]

شجای دینی مرگه اوله قاضی بکر مرگه بیج جنس فیوض مرگه دان
 بکر رضام مرگه اکن نقد این شجای دین بکر مرگه نقد بقر بیت ایته
 ایغون قد بیل این در قد غره بیج سلامه در قد سطر بقر مرگه سفره دان
 جواد فون سطر بقر بکر مرگه قد حکم شرع مقبلیت بیج بقر بیتا دهر اس بکر
 نقد این اکن فیم این ایغای جان کیه جات کفد عقیهار اس کن یقینا هار
 سفره منهد افهات مبر هکن دهمن نقد عکر کن هر کور قد دمن لیل
 کمد این مکر دهمن کقاضی اکن عکر لیل مکر دهمن لیل سطر ارتان دشغ نقد
 کمری مکر بیتا دهر اس بکر قاضی بیتا مکر کن نقد این کفد سر بکر اکن
 کفد در قد کمری لیل عکر بیتا بیج جنس بیتا بیج جنس رضان سطر ایغون هات
 دبکیر اکن بیج کمری و الع علم سور کمری بیتا سور ایغون دهمن
 اوله قاضی اکن ارتان بیتا ادک دهر اس بکر قاضی صیتا مکر ارتان بیتا کفد
 بیج مبلید بیج سلامه بیج لیل ای بیج مکر هرات القون بیج جواب بیج بیتا دهر
 بکر قاضی عکر مکر دی بکر بیج مبل سلامه بیج لیل ای بیج مکر هرات لیل
 ای مکر مکر کن حق نقد حکم کن دان مستقر کن حق و بیج لیل کن مکر کمر
 و سلامه اوله قاضی حکم بقر بیتا بیتا شجای رضان ای لیل تنقا علم
 ایغون فیل دکر بیج اکن اوله قاضی کمر جان بیتا قد حال لیل دان
 بیتا دی تا اکن حکم بیج تر بیتا بیتا اتود اعتقا کن اکن حصص مکر حکم
 دکر جان کن ای دشغ جهل در این القون تقلید بیج صیاح شجای
 بیتا دهر رضان بیج سور بیج رشع دتریم اوله قاضی در قد سطر هرات

ذابت و بهما که ای انتشار سطر بر فیو تع و غنر منب سطر بقی فیو تع نه
 منجا و دتا خیر کن همه کند ای گهای بر هفتین ای ایست هفت موده
 همه با کند ای دان تباد و برات سطر بقی فیو تع ایست متقال همه با تان
 دغنر سکر کن میا بکنن بهو تباد و اد و رشی لایز در فند مرگیه کار
 فارن حجر ایست و بر فند سطرین ها منی دان بطور و دسان و رشی
 بر فیو تع لاین در فند مرگیه منجا بر دغ ای منت حقن **سوال**
 حکا بر تان سورخ فیل و دهما که اول قاض هر لای صا ت بند بقا جون
 ایست اس سطر بقی فیو تع کن این مکر یات و رشی بر فیو تع بقا این
 در فند مرگیه انوشو بقا دهنو سطر در فند لیکر حجریت و فند بقا
 واکه واجب اس قاضی منا کن بهما بقا دهنو ایست و تباد **جواب**
 فیل یات و رشی بر فیو تع بقا این در فند مرگیه انوشو بقا دهنو
 بقا دهنو سطر در فند حجریت سکو ای و رشی بر فیو تع بقا
 همه با تان ایست فند و منب ایست سطر بر فیو تع بقا دهنو ایست
 دغنر مکر کنن مکر تباد و واجب منا کن بهما بقا دهنو ایست مکر
 مکر دغنر فانت ایست بطور دهما که اول قاضی ایست بقا منس که ایست
 بلس تاهل در هم ایست کنه و و رشی بر فیو تع ایست فیو تع بقا
 سورخ در فند کد و ایست و دهنو تاهل در هم دان که سورخ لاکه
 تاهل در هم سزاصل اول بقی فیو تع و دهنو تاهل در هم ایست
 لغو تاهل در هم دان بقی فیو تع لغو تاهل در هم ایست لم تاهل در

واجب مستطین که این با جوجب قد علم سجده والد **سور** که بر تار
سور رخ افیل است دعوی اول قاضی ارتقا است این نصایر هونفد که دیارید
بار شیخ سله افتر در قد هونفد که بتا و حکم کند و در ایست که واجب است
بر اسنادان مقیمیل فاهن لارن اکن فها یکر مثل هونفد شیخ نقیلا **ایست جواج**
به یوتیار لارن است بر اسنادان مقیمیل فاهن لارن اکن فها یکر هونفد
نقیلا فی ایست فونه که از هونفد ایست هونفد نقیلا و کب و غن معصیت تارن
که از هونفد ایست و غن سب معصیت نسجای لارن است بر اسناد فها یکر
بر هونفد شیخ نقیلا ایست **دان** لاک قول لارن است نصیور کند قرینه ام الولد
مقیمیل فاهن **دان** بر سوکن کل شیخ و وقفن اورغ است خطو تیار دهر
هونفد ایست و غن معصیت الفون لارن دهر اول **ایست** فها یکر
ایست حکم شیخ فها یکر ارت جوفد حکم شرع **سور** که بر تار سور رخ افیل
بر فو شیخ بر فو اورغ کند سور رخ بتا و حکم افیل در دعوی اول بقدر ضوع
بجود و مسکن تیار دافت ایست فها یکر هونفد **جواج** که حکم کل
شیخ فو شیخ فو ایست مسکن مکر دالمن و دیار که تیار دافت
صفتیور بر ارت نسجای بر بر کن کنند و غن فها یکر لارن دهر اول فها
ایست فها یکر بر تار نسجای لارن است هونفد رکن فها یکر
با طر اکن مسکن **دان** فاکل و شکله ایست اکن صیا ایست دهر اول ایست مسکن
قد حال تیار سورن جوفون ایست فها یکر مسکن سکر فها یکر دافت
یقول واجب است بر کند ایست جوجب افیل تا بنیم مسکن ایست قد قاضی

نسجای

نسجای واجب است بر کند ایست فها یکر جواج ایست دافت تیار دهر اول
شیخ فها یکر مسکن **ایست** فها یکر دافت فها یکر مسکن ایست دافت
عشره فطره ایست فها یکر دافت فها یکر مسکن ایست دافت
که واجب است بر کند ایست فها یکر مسکن ایست دافت
ها رس است قاضی شیخ مسکن ایست دافت فها یکر مسکن ایست دافت
بر مسکن دغن اورغ نقیلا دافت قد قاضی اکن مسکن که فها یکر
ها رس یکم شیخ مسکن دافت **دان** مسکن دافت فها یکر مسکن
فها یکر اتولان در فها یکر لارن فها یکر هونفد ایست فها یکر
ایست بکن ایست با فو کب شیخ فو شیخ **دان** بکن ایست
ایست با فو بکن ایست مسکن ایست دافت فها یکر مسکن
شرع مسکن کد و ش **دان** تیار دهر اول مسکن کد و ش
فها یکر اتولان **دان** مسکن کد و ش تیار دهر اول مسکن کد و ش
مقیمیل فاهن قد دافت ایست فها یکر مسکن ایست دافت
که بر تار سور رخ افیل در دعوی اول سور رخ بقدر فو شیخ
بقدر فو شیخ فها یکر دافت ایست فها یکر مسکن ایست دافت
صفتیور بر ارت نسجای بر بر کن کنند و غن فها یکر لارن دهر اول فها
ایست فها یکر بر تار نسجای لارن است هونفد رکن فها یکر
با طر اکن مسکن **دان** فاکل و شکله ایست اکن صیا ایست دهر اول ایست مسکن
قد حال تیار سورن جوفون ایست فها یکر مسکن سکر فها یکر دافت
یقول واجب است بر کند ایست جوجب افیل تا بنیم مسکن ایست قد قاضی

[illegible][illegible]

نہایت

کند بی ایتم حکم حجب مکرارت حجابیه و در وقت اسوات ارتیشی فد لغت
کد و ارتیشی فد شریع مکرارتی فد لغت ایتم کد و ارتیشی فد شریع
شرعی ایتم منکلهن در فد سطر تصرفیه بقدا کن کند ارت **برمول** مکر
حجابیه اسر دو بایک اسوات در فد ان حجبیه سورسکن کند بی کار
مصلحه و در قیلا این یایتم کفر صغیر کن اسر بی مغلس فارن حق
اسطر بی مغول فیوت دانه مع حجب کن اسر بی میند و فسد ان کار
حق بی مصلحه باند ان مع حجب کن اوریغ سکه فد و ثلث ارتیشی
فارن حق سطر ورتیشی دانه مع حجب کن اسر سیدان فارن حق ورتیشی دانه مع
حجب کن سیدان بقدا منکلهن فارن حق ورتیشی دانه حق الد تعالی که ورت
در فد ان حجب بی دوسر سکن و اول شرع فارن مصلحه بکر بی دحجب
کن اسر صغیر کن عجبون یعنی اوریغ لیل و ان کنقطان ورت
اوریغ و در والد اعلم **برمول** دغن کیلا ایتم تقطع ورت ان عباد
دان ولایه سوارغ هفت مکر ایتم مکر ای در فد کیلا ان سجد
کمال ای لغت فاذا ان یقتل و مکر بقدا کن کند ان دغن کتات تقطع
عباده ایتم یعنی سیدان و اعتبار کن سطر کتات فد معاصد ان فد کد
لغز و بجا قبول فد بیا ان دان صلا و اسلا و دغن مشوج و طبع
لاله الا الله و ان یقتل و دغن کتات تقطع ورت ان ولایه ایتم
یعنی سیدان صلا ی تقطع الی مقبولیک فد نطاع دان فد وصیه دان
فد صریح کن ارت انو تیه دان ظهور دغن کتات سیدان و اعتبار کن سطر

لات کتات ایتم **دان** سطر فعلی مکر لایه و اعتبار کن کفر فد مصلح کن
دغن مقصد کای اغرتولایش دان مصلح کن ارت اوریغ مکر سیدان
لوسر ایتم لادش مکر ای مشروطی سیدان در دغن ان ثابت نب القوسهیا
کند **دان** **مصلح** ان تقطع عبادان و دای در فد کنقطان مصلحیه
استان کن در فد ان یایتم کفر عبادان در فد کنقطان ورت مکر و ان مکر ورت
فد مکر کتات **دان** فد مصلح کن هدیه مکر طین ایتم و اعتبار کن کتات
مکر ان تقطع عبادان و دای ستر بر طین ایتم مکر کد و بالغه مکر اول
بالغز ایتم ادطاش دغن مکر لایه و مکر بلس قاهر و دغن تعبد یه یعنی
تباد دغن کوریغ در فد دهن ایتم جطو سیدان مکر طین اسام و بی لطر
لطر انو فمغول انو دغن طور صنی فد کتات سیدان انو فد کتات کتات
جماع انو لایش انو دغن حیض مکر دای فمغول **دان** مکر دای غنی
سجد ای دهن کن کند بی بالغ ایتم طور صنی در فد کتات **دان** طور
حیض در فد مکر سیدان جطو طور صنی در فد سلسو ورت کد
کد ورت جوهان مکر یایتم تباد حکم کن کند بی بالغ دغن بی **برمول**
سورغ ورت دافه طور صنی ایتم دغن مکر عذر مکرین تاهن قمر
یایتم کفر حکم سورغ ورت دافه حیض **برمول** بیغ فمغول ایتم مصلحه
بالغز دغن طور صنی مکر تباد دای دهن کن بالغ دغن بیغ طار بیغ
ایتم سیدان ورت کد ورت انز مکر اول دهن کن بالغ دغن سیدان کد
انم بوند ورت در فد طور دغن کتات لاک قول اول بیغ ایتم کفر حکم تب

04

KEKAWANAN KEAGAMAAN
DAN ORIENTAL
MUSLIM